

پرورش و تربیت فعال چگونه انجام میشود

از دکتر آندره برژ
استاد کرسی روانشناسی و روانپزشکی
دانشگاه پاریس و رئیس مدرسه
بین‌المللی پرورش و تربیت خانوادگی

جانبدار از پرورش و تربیت جدید

ترجمه دکتر آصفه آصفی استاد دانشگاه تربیت معلم

درک منویات اجتماع و تفاهم که جزئی از روانشناسی کودک را شامل می‌گردد ، هنوز یا وسائل دیگری از قبیل امکانات و خوش قلبی‌هاییکه معمولا مورد استفاده قرار نگرفته‌اند تهیه و تدارک می‌شود . تعاون در مدرسه از « Freinet » و همه‌شکلهائیکه به قوه ابتکار و حس مسئولیت دانش‌آموزانتهی می‌گردد خواه به نفع اجتماع مدرسه‌ای و خواه به نفع اجتماعی که این محل کوچک (مدرسه) را در آغوش خود می‌پروراند و شامل درس‌های عملی و فداکاری‌ها مثبتی بر اصول حقیقی و طبیعی برای فرد و کشور می‌باشد که نتایج و سرانجامش بمراتب جامع‌تر و قاطع‌تر از عبارات و سخنرانی‌های مفصل و بی‌وقفه خواهد بود .

پس احترام به احساسات اساسی کودک در برنامه‌گرایش بسوی اجتماع میتواند کاملا به نوع دیگر و یاروش‌های دیگری از پرورش و تربیت جدید تجزیه و تحلیل گردد .

ذوق به همکاری و طرح و ابتکار در بعضی از سنین همانندسازی ، نامتعادل و نامساوی میشوند و نمایانگر روش‌هایستی و نابرابر میباشند .

اما وقتیکه همکاری‌ها باینکواخت‌سازی مساعی اشتباه نشود و بر عکس اجازه بدهد تا هرکسی برابر با قابلیت‌های خود و به نفع اجتماع تقسیم کار نماید هم‌سازنده میشود و هم قانونی ؛ روش کار دسته جمعی که «Roger Cousinet» محور اصلی کار خود را بر آن اصول استوار ساخته است .

عناصر اصلی دانستنی‌های بشری را با تجربیات مستقیم و شخصی خود که در موقعیت‌های مختلف برابر با قدرت سنی و امکاناتی که در دسترس قرار گرفته است منجیده و جستجو نماید.

اگر بخواهند علمی متشکل و پدید آمده را (علمی که برای توجیه خودش به قرن‌ها احتیاج بوده است) در مغز انسانی جوان که

پس بوسیله «پرورش و تربیت‌جدید» و توجه به حقایق طبیعی بهتر می‌توان بمسوی مسائل زیستی هدایت و راهنمایی گردید - با این روش بجای اینکه کودک را به کارهای فکری که هنوز برای انجامش آماده‌گی ندارد و در نتیجه به تکرار بیهوده و غیرقابل فهم مطالب، بجای درک و فهم واقعی آنها می‌پردازد و ادوار نمایند از او دعوت میشود تا



در حال ساختن خودش می باشد، وارد کنند نتیجه اش بی شباهت به نتیجه اغواکننده تربیع دایره نیست. منطقی تر بنظر می رسد که کمک کنند تا کودک بتواند راهی را به پیماید که بشریت آنرا پیموده است.

در پیش داده هائی که از مفاهیم و تفکرات قبلی ها بدست آمده از طرفی پرورش و تربیت حسی و حواسی «Education Sensorielle»

بهترین وسیله برای ساختن و شکوفائی هوش و همه عناصر هوشی بنظر می رسد از طرف دیگر پرورش و تربیت قبل از دبستان میباشد که بوسیله پایه گذار خود خانم پولین کرگومار «Pauline Kergomard» در انواع مختلف خود مهد کودک و کودکستان ها اجرا می گردد. از این راه کودک از برخورد ماده و موضوع و درک مناظر ذاتی اشیاء بطور طبیعی به ابتکار آستره «La Pensée Abstrait» هدایت می گردد.

اسیدوارم برای تفهیم «پرورش و تربیت جدید» و اینکه چرا بنظر من این ارزش را دارد که بعنوان پرورش و تربیت تعلیمی «Educatif» و یا بطور اختصار پرورش و تربیت نامیده شود.

چرا «پرورش و تربیت جدید» میتواند افتخار کند، در عین وحدت و یکتائی قابل تقسیم نیز میباشد. چرا پرورش و تربیتی که «جدید» نامیده می شود می کوشد تا در حقیقت پرورش و تربیتی عمیق باشد چرا می کوشد تا در دراز مدت عمل شود و نه در کوتاه مدت، چرا حدودی برای خویش قائل نمیشود مگر حدودی خسران ناپذیر و غیر قابل دسترس برای شناسائی به آنچه که طبیعت و واقعیت کودک را ناراحت می سازد. و همه این چراها توفیق حاصل کرده باشد در این صورت «پرورش و تربیت جدید» به میردانش تا کلاس هایش را بسادگی بفرزگرمی و جایگاهش تشکیل ندهند اجازه استراحت

نمی دهد. سخن استادی که از قدیم میشناختمش: یاد از زمان گذشته، او بدوران گذشته اش غیظه می خورد و معتقد بوده که بهترین کلاس هایش آنهائی بودند که بوسیله مزاحمتی کوچک بنام دانش آموز مختل می گردیدند. چه آسان میشد دروس را به آنان فهمانید و تکالیفی به آنها داد (در صورتیکه چه بی مزه می شود اگر بخواهند آنها را تصحیح کنند). با روش های جدید گاهگاه آموزش - در عین اینکه خود را محو می سازد دائماً فی البدیئه ابداع می گردد. این روش ها بکار سربیان تنبل نمی خورد، ولی مگر تنبلی سربیان گاهگاه سبب تنبلی دانش - آموزان نمیشود؟. محققاً «پرورش و تربیت جدید» خوشبین است اما این توصیف برایش چیزی جز دشنام نیست کسیکه معتقد است همه شکاف ها و فاصله های بد، شکاف ها و فاصله های طبیعی هستند که همه کودکان بدون درگیریها و مقابله سخت بزرگسالان می توانند ایجاد کنند و پشت سرگذارند، و همه فساد و تباهی را به این موجود کوچک استناد می کنند مفهوم دوست داشتن را نمی دانند آیا حقیقتاً پرورش و تربیت بدون دوست داشتن امکان پذیر خواهد بود؟

ما در جای خود معتقدیم که پرورش و تربیت بهیچ وجه حق ندارد، بعنوان نوعی مبارزه تلقی گردد و وقتیکه شانه های قوی ترین بایستی بیشتر از ضعیفترین بر خاک سائیده گردد. اما برعکس معتقدیم که کودک باید در اندازه زیادی در پرورش و تربیت خودش همکاری نماید.

در حال حاضر برای ما باقی میماند قبل از انتقاد بر انتقادهائی که بر علیه یکدیگر و رودرروی هم قرار گرفته اند از خودمان می پرسیم: این عکس العمل های شقاوت بار و کینه جوینانه ایکه سازنده همه این بارها و مشکلات اند از کجا می آیند؟

